

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۱۲/۰۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۲/۲۱

قدرت نرم از دیدگاه اسلام و کاربرد مؤلفه‌های آن در جمهوری اسلامی ایران

مهدی جعفری پناه^{۱*}
حسین پور احمدی^۲

۱. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل و دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم (دکتر)، قم، ایران.
۲. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، تهران، ایران.

چکیده

امروزه استفاده از مؤلفه‌های قدرت نرم در سیاست‌های داخلی و خارجی کشورها بیش از گذشته مورد تأکید قرار گرفته است. درحالی‌که در مفهوم‌سازی اولیه از قدرت نرم مؤلفه‌هایی مثل فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و مطلوب‌های سیاست خارجی بیان گردیده است، در این مقاله مؤلفه‌های قدرت نرم از منظر اسلام و مؤلفه‌های نرم‌افزاری این قدرت در جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین ارزیابی کاربرد مؤلفه‌های قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران نیز در ادامه مقاله مورد تأکید قرار دارد. بر این اساس مؤلفه‌های قدرت نرم آن گونه که در اسلام مطرح می‌باشد متفاوت از آن چیزی است که در مفهوم‌سازی اولیه از این قدرت ارائه شده است. علت این تفاوت در نوع نگاه به قدرت، انسان، اخلاق و خدا است. منابع قدرت نرم اسلامی آنگونه که در جمهوری اسلامی ایران ظاهر شده‌اند بر ارزش‌هایی چون شهادت‌طلبی، معنویت‌گرایی، عدالت‌باوری و استقلال‌طلبی استوار است به گونه‌ای که ضمن ایجاد تحول فرهنگی در سطح داخلی بر روند تحولات خودباوری دینی و بیداری اسلامی در حوزه پیرامونی خود نیز تأثیرگذار بوده است.

واژگان کلیدی: قدرت نرم، فرهنگ، منابع اسلامی، اخلاق محوری، جمهوری اسلامی ایران.

از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ نظریه‌ای در قالب قدرت نرم توسط جوزف نای مطرح شد. وی قدرت نرم را اعمال نفوذ بر دیگران به جهت تغییر رفتار بیان می‌کند. آنچه در این تحقیق به دنبال آن هستیم، این است که فرهنگ غنی اسلام با ظرفیت‌هایی که در ایجاد قدرت نرم دارد، می‌تواند دیگران را جذب و به عنوان یک عامل سلبی از نفوذ فرهنگ دیگران جلوگیری کند و در این راستا مشکلات و کاستی‌های موجود در نظریه‌های غربی که ناشی از سطحی‌نگری، عدم توجه به توحید و اخلاق و... است بر طرف نماید.

سؤال اصلی این نوشتار: مؤلفه‌های قدرت نرم در اسلام کدام‌اند؟ و کاربرد آن مؤلفه‌ها در جمهوری اسلامی در چه گستره‌ای دنبال شده است؟ در جواب سؤال فرضیه‌ای مطرح این است که قدرت نرم در اسلام بر مؤلفه‌هایی مثل اخلاق، خدامحوری، دعوت، عقلانیت و... استوار گردیده و به عنوان مبانی ساختار قدرت در جمهوری اسلامی ایران، دنبال شده و موفقیت‌های زیادی در داخل و خارج داشته است. اما در برخی موارد به دلیل عدم استفاده‌ی درست از کاربرد مؤلفه‌های قدرت نرم، با محدودیت‌هایی روبرو بوده است. چارچوب نظری مطرح در این تحقیق رویکرد سازه‌انگاری است که به عنوان یک فرا نظریه بعد از جنگ سرد مطرح شد (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۳۲۳). در این نظریه فرهنگ مهم‌ترین مؤلفه این رویکرد را نشان می‌دهد (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۳۱۰). بنابراین یکی از شاخصه‌های اصلی رویکرد سازه‌انگاری توجه به ساختارهای فرهنگی و ارزشی در کنار عناصر مادی است. در واقع انتخاب سازه‌انگاری به عنوان چهارچوب نظری در این تحقیق به این خاطر است که مدلول این نظریه، ناظر به اهمیت دادن ساختارهای نرم‌افزاری نظام ذهنی و باورها است و مکتب اسلام و جمهوری اسلامی ایران به نظام ارزش‌ها و باورها و دین و اعتقادات اهمیت زیادی قائل هست و مؤلفه‌هایی مثل اخلاق و خدامحوری و عدالت و... در شکل‌گیری آن مؤثر است.

۱. قدرت نرم

جوزف نای نخستین شخصی که قدرت نرم را مفهوم‌سازی نمود، وی قدرت نرم را شیوه‌ای برای رسیدن به نتایج دلخواه، بدون تهدید و تشویق آشکار و ملموس می‌دانست (نای، ۱۳۸۹: ۴۷) و فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و مطلوب‌های سیاست خارجی را به عنوان منابع قدرت نرم بیان می‌کند (نای، ۱۳۸۹: ۵۱). در عرف بین‌الملل از واژه فرهنگ به عنوان قدرت نرم یاد می‌گردد (پور احمدی، ۱۳۸۹: ۲۹۶). فرهنگ جهت دهنده به ذهن

و رفتار در همه حوزه‌های اجتماعی است که بیانگر شخصیت و هویت یک کشور است (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷۴). می‌توان گفت نظم اجتماعی از طریق فرهنگ ساخته، مورد مخالفت قرار گرفته و یا باز تولید می‌گردد (تاجیک، ۱۳۸۴: ۴۴). چهره زمخت سیاست و قدرت به وسیله‌ی ابزارها و روش‌های فرهنگی تلطیف می‌گردد. زیرساخت‌های فرهنگی باعث سامان دادن به فعالیت‌های سیاسی در سطح سیاست و فرهنگ جهانی می‌گردد (خراسانی، ۱۳۸۷: ۴۵).

یکی دیگر از منابع قدرت نرمی که نای مطرح می‌کند ارزش‌های مثبت سیاسی یک کشور است که پاسخگو بودن به مردم، رعایت اخلاق و اجرای عدالت، نمونه‌هایی از آن محسوب می‌گردد. در عرصه سیاست خارجی هر حکومتی که تعاملات و مناسباتش در عرصه بین‌الملل با نهادهای دیگر سنجیده‌تر باشد و به دیپلماسی عمومی که نوعاً همراه با اخلاق است، همراه‌تر باشد (میلسن و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۱). قدرت نرم آن کشور افزایش می‌یابد، زیرا موجب جلب اعتماد دیگران و باعث نشان دادن برآیند مثبت از چهره‌ی یک کشور می‌گردد (بیکی، ۱۳۸۹: ۵۹).

۲. مؤلفه‌های قدرت نرم از منظر اسلام

خاستگاه مؤلفه‌های قدرت نرم، از منظر اسلام دارای منشأ الهی و آسمانی است. به عبارت دیگر صرف مؤلفه‌های مادی قدرت، بدون توجه به جنبه‌های الهی و آسمانی مد نظر اسلام نیست. نکته دیگر اینکه ماهیت تمدن اسلام و غرب، از حیث نوع نگاه به الله، انسان و اجتماع، تفاوت دارد و لذا در مکتب اسلام نوع نگاه‌ها به قدرت نرم نگاه متعالی و الهی است. در حکمت متعالی اسلام بدن مرکب از روح و جسم است که نیاز بدن به هر دو ضروری است و چه بسا جنبه‌های غیر جسمانی که با روح و وجدان انسان سروکار دارد، مهم‌تر از جنبه‌های جسمانی است (لکزایی: ۱۳۸۹، ۶۳-۶۵). اگر روح به واسطه بی‌اخلاقی، بی‌عدالتی و بی‌صدقتی صدمه ببیند، ترمیم آن بسیار سخت‌تر خواهد بود از اینکه یک مؤلفه مادی قدرت را از دست بدهد. در ذیل سعی شده است به برخی از مؤلفه‌های قدرت نرم از منظر اسلام پرداخته شود.

۱-۲. فرهنگ

الف. علم‌گرایی

اسلام بیش از هر دینی انسان‌ها را به تفکر، تعلیم و تعلم دعوت کرده و آیات و روایات نقل‌شده از ائمه معصومین علیهم السلام مؤید این مطلب بوده به نحوی که اولین آیات قرآن درباره اهمیت علم و یادگیری است. «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ - عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق: ۵/۴) "خداوند انسان را تعلیم کرد چیزهایی را که نمی‌دانست. تولید علم و گسترش مراکز دانشگاهی از این جهت مورد اهمیت است که باعث بی‌نیازی کشور نسبت به دیگران در پیشبرد اهداف می‌گردد و کشور را از هر گونه وابستگی به دیگران رهایی می‌دهد. این امر موجبات عزت و اقتدار یک کشور را فراهم می‌نماید. آنچه که بیان گردید مربوط به جنبه‌های ظاهری و مادی فراگیری علم است. بعد دیگر قضیه که به مراتب مهم‌تر است. اینکه مجهز شدن به علم روز و تولید آن ثمرات معنوی به جا می‌گذارد که باعث جذب دیگران می‌گردد.

ب. فرهنگ، مقاومت و شهادت

در اندیشه و فرهنگ سیاسی شیعه جهاد و شهادت به عنوان یک اصل، عامل نجات‌بخش، هدف استراتژیک و عامل تأثیرگذار تلقی می‌گردد. این فرهنگ ریشه در اعتقادات دینی و باورهای مردم دارد، فرهنگ شهادت‌طلبی به عنوان اصلی‌ترین منبع قدرت نرم در بین مسلمانان محسوب می‌گردد (افتخاری، شعبانی، ۱۳۸۹: ۹۹).

جهاد و شهادت دو عنصر تاریخ‌ساز و سرنوشت‌آفرین حیات اجتماعی مسلمانان است. حضور این دو عنصر در حیات سیاسی، اجتماعی مسلمانان، نقش برجسته‌ای در هویت دینی، فرهنگی و بومی آنان دارد و فراموشی این دو عنصر باعث ذلت و بی‌چارگی آنان می‌گردد. این دو عنصر (جهاد و شهادت) که تنها در منظومه فکری و هویت‌ساز مسلمانان یافت می‌شود. عناصری که حضورشان برای فرهنگ و تمدن اسلامی هویت و بسترساز اعتمادبه‌نفس و خودباوری مسلمانان و ترس و زبونی دشمنان اسلامی می‌باشد، این‌ها نه تنها در پیروزی، بلکه در دوام آن، نیز مؤثر است. به عبارت دیگر به هر اندازه که فراموشی جهاد و شهادت در جامعه اسلامی موجب ذلت مسلمانان آن جامعه می‌گردد به همان اندازه برخوردار از روحیه جهاد و شهادت‌آفریننده قدرت نرم و باکندگی و بازدارندگی در مقابل دشمنان را دارد (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۰).

۲-۲. ارزش‌های سیاسی

الف. خدامحوری

توحید، محور هستی و آموزه‌های قرآنی است که می‌توان از آن نقشه هستی و راهنمای دست‌یابی به حقیقت را بدست آورد. توحید و یا خدامحوری، مبنا و محور اصلی تمام قانون‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در اندیشه‌ها و نظامات سیاسی اسلام است و هدف تمام پیامبران نیز بر مبنای اصل توحید شکل گرفته است. هر یک از مؤلفه‌های ذیل که از درون اعتقاد به خدامحوری و خدا ناظری به وجود می‌آید. باعث تقویت قدرت، اعتماد به نفس و روحیه شکست‌ناپذیری در افراد می‌شود.

اول. تکلیف محوری که از درون اعتقاد به خدامحوری در می‌آید به این معنا که نفس تکلیف محوری به عنوان نماد خدامحوری این اعتقاد را به وجود می‌آورد که خداوند مالک و صاحب اختیار ماست و انسان فقط باید به تکالیف الهی عمل کند، البته تکلیف محوری موجب اعتقاد راسخ به انجام عمل، احساس مسئولیت، آرامش روحی و اخلاص در عمل می‌شود. همچنین انسان تکلیف محوری در انجام وظیفه خستگی‌ناپذیر و شکست‌ناپذیر می‌گردد.

دوم. اعتقاد به توحید باعث می‌گردد که نگرش و نگاه به انسان‌ها، یک نگاه حقوق بشری باشد. زیرا تمام انسان‌های روی زمین با هر زبان و قومیتی که دارند نزد خداوند مساوی هستند. این نوع نگاه می‌تواند تجلی‌گاه وحدت و تعامل بین انسان‌ها واقع گردد.

ب. اخلاق

اصول اخلاقی در اسلام تابع مبانی خاصی مثل مروّت، راستی و وفا است و در مقام تعارض باسیاست و مصلحت، بر آن مقدم می‌گردد. در دین مقدس اسلام اعتقاد به پیوستگی سیاست و اخلاق وجود دارد و آنچه به لحاظ اخلاقی نادرست است، نمی‌تواند به لحاظ سیاسی نتیجه مطلوبی بدهد (عالم، ۱۳۸۱: ۷۴). امام علی (ع) به کرات در نهج البلاغه آورده‌اند، من از معاویه بسیار زیرک‌تر بودم. اما کارهایی که او انجام می‌داد، نیرنگ و فریب و بی‌اخلاقی بود، این در حالی بود که امام علی (ع) کارهایی که خلاف کرامت انسانی و جوانمردی بود، را انجام نمی‌داد و از ابزار حيله، ارباب، فریب و تطمیع استفاده نمی‌کرد (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

اجرای اخلاق و نظارت بر آن امنیت و عدالت را در جامعه حاکم می‌نماید و کسب

اعتماد و رضایت مردم را در پی خواهد داشت. در چنین جامعه‌ای مردم تحت تأثیر و توطئه‌ی دیگران قرار نمی‌گیرند. همدلی و اعتماد بین مردم بیشتر و رضایت در داخل و جلوگیری از نفوذ بیگانگان در خارج را در پی خواهد داشت.

ج. عدالت و صداقت

بسیاری از سیاست‌مداران که قائل به همسویی و پیوند عدالت و صداقت با سیاست هستند، منش و سیره امام علی (ع) را مثال می‌زنند. هر چند بسیاری از اندیشمندان سیاسی قائل به ناسازگاری در پیوند بین آن دو هستند. امام علی (ع) صداقت و اخلاق را در رأس امور سیاست قرار داده و معتقد بودند که هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند. از این رو اگر از صراط مستقیم پا کج نهاده شود که در آن رضای خدا نباشد، این قدرت نزد خداوند مشروع نیست. اجرای عدالت و داشتن صداقت باعث می‌گردد، با توجه به فطری بودن این امور تشنگان حقیقت به سوی آن گسیل گردند. علی‌رغم تمام بی‌عدالتی‌ها در مفهوم عدالت و صداقت، وقتی در جایی عدالت و صداقت وجود داشته باشد بدون شک در مردم اعتمادی به وجود می‌آید که برای دیگران جذاب باشد.

۲-۳. مطلوب‌های سیاست خارجی

اصول سیاست خارجی اسلام به عنوان مظهر قدرت نرم در دو مقوله سیاست ایجابی و سلبی قابل‌بحث است. در سیاست سلبی خط قرمزهایی وجود دارد که هر یک از آنها به نظم سیاسی اقتدار می‌بخشد که از جمله آن می‌توان به استکبارستیزی، ظلم‌ستیزی و نفی سبیل اشاره نمود و در بعد ایجابی دعوت و همکاری و انعطاف‌پذیری مطرح است. یکی از عوامل موفقیت سیاست خارجی دولت اسلامی، استقامت و پایداری مسلمانان در عقیده و دفاع از آن است. این عقیده و استقامت باعث شده است، در اکثر مواقع ناکامی دشمنان اسلام را در پی داشته باشد. به هر اندازه استقامت‌ها کم و عقاید متزلزل گردد، دشمن راه نفوذ بیشتری پیدا می‌کند (وانتقی راد، ۱۳۸۳: ۴۶۴). گسترش فرهنگ اسلامی از اهداف مهم نظام سیاسی در عرصه داخلی و بین‌المللی است که این امر در قالب دعوت و تبلیغ صورت می‌پذیرد.

هدف نهایی پیامبر اسلام از تبلیغ و ارشاد، دعوت به یکتاپرستی و وحدت بوده است. ایشان استفاده از نقاط مشترک در امر دیپلماسی از حیث آداب رسوم، سیاست و تاریخ و نمونه‌هایی از این قبیل که بتوان، از آنها به عنوان قدر متیقن اشتراکی استفاده نمود،

بِسَارٍ دِيدَةٍ مِي شُود. خُداوند در قرآن مي فرمايند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ» (آل عمران: ۶۴) "بگو: اي اهل كتاب! بياييد به سوي سخني كه ميان ما و شما يكسان است!" كلمه سواء در معنای صفت "متساوی الطرفین" استعمال شده و معنای جمله: "سواء بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ" اين است كه تمسك بدان و عمل به لوازم آن بين ما و شما مساوی است و همه ما بايد به آن تمسك جوييم (طباطبایی، ۱۴۳۷هـ.ق: ۳۸۹).

۳. مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران كه از ابتدا با رویکرد فرهنگي شكل گرفت و دين و مذهب، توكل به خدا، توجه به مردم و... جزء اصول اساسی آن بوده است. لذا از كشورهايی است كه ظرفیت‌های قدرت نرم بالایی دارد (افتخاری و همكاران، ۱۳۸۷: ۱۵۴). در اين قسمت سعی شده به بخشی از مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود.

۳-۱. فرهنگ

الف. جایگاه علمی ایران

با توجه به اهمیت كسب علم و دانش در اسلام و اهمیت آن در نظام اسلامی، ما شاهد رشد چشم‌گیر تولید علم به صورت کمی و کیفی هستیم به نحوی كه جایگاه ایران پس از انقلاب به لحاظ تعداد دانشجو بیست و دومین كشور جهان گردید و در رشته‌های فنی در جهان چهاردهم و در خاورمیانه بعد از مصر قرار دارد. همچنین ایران به لحاظ پیشرفت پزشکی و هسته‌ای در جهان جزء ده كشور اول و در خاورمیانه مقام نخست را دارد و رشد ۱۸ درصدی تولید مقاله از دیگر مواردی است كه جایگاه علمی ایران را ارتقا داده است (ایزدی، ۱۳۸۷: ۱۸۸).

ب. فرهنگ مقاومت و شهادت

شهادت‌گرایی از واژگانی است كه با فرهنگ ایرانیان عجین گشته و پس از انقلاب اسلامی ایران و بالاخص در دوران دفاع مقدس، در قالب فرهنگ استقامت، سلحشوری و فداکاری نمود یافته است. فرهنگ شهادت‌طلبی قبل از ورود اسلام نیز در بین ایرانیان وجود داشته است. در اساطیر و ادبیات داستانی كه مربوط به مقاومت ملی و جدال در مقابل بیگانگان بوده است، نشانه‌هایی از شهادت‌گرایی ترسیم می‌گردد. در این ارتباط حتی (آرش كمان‌گیر) در كنش‌گیری خود برای حفظ تمامیت ارضی كشور به

قتل می‌رسد. بعد از اسلام و در مکتب شیعه با الهام از عاشورا روحیه شهادت طلبی در دوره‌های مختلف باز تولید می‌گردد، اساساً شهادت را از اجزاء لاینفک هویت شیعه است. (مصلی نژاد، ۱۳۸۹: ۳۳۶) فرانسیس فوکویاما می‌گوید: «شیعه پرنده است که افق پروازش خیلی بالاتر از تیر رس ماست. این پرنده دارای دو بال است، یک بال سرخ و بال دیگر سبز. بال سرخ شیعه شهادت طلبی است، که ریشه در کربلا دارد و شیعه را فناپذیر کرده است» (ایزدی، ۱۳۸۷: ۸). اگر ملتی راه شهادت را انتخاب کند، هیچ موقع تن به اسارت و ضلالت نمی‌دهد. با توجه به این نوع نگاه امام خمینی (ره) می‌فرماید: «منطق ملت ما منطق صدر اسلام است اگر بکشیم بهشت می‌رویم و اگر کشته بشویم به بهشت می‌رویم این منطق شکست ندارد» (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۳۱۴).

۳-۲. ارزش‌های سیاسی

با استقرار نظام اسلام سیاسی و الگوی حکومت اسلامی در ایران روزنه‌های امید در دل مسلمانان به وجود آورد. مدل موفق حکومت اسلامی در ایران بعد از ۳۳ سال و بعد از گذراندن روزهای سخت، امروزه در سطح جهان به عنوان یک مدل حکومتی مطرح است. امروزه در هر کشور مسلمانی که انقلاب می‌شود و یا حکومتی ساقط می‌گردد؛ اولین گزینه برای تشکیل نظام، حکومت مبتنی بر اسلام است. این امر بدون تأثیر از انقلاب ایران نبوده و لذا با توجه به جنبش‌ها و انقلاب‌هایی که در منطقه رخ داده است، خود کشورهای غربی اذعان دارند که خاستگاه این انقلاب‌ها اسلام است و انقلاب ایران این خاستگاه، یعنی اسلام را بین مردم زنده نموده است.

الف. خدامحوری

یکی از اموری که باعث تقویت قدرت نرم می‌گردد، تکیه کردن بر قدرت لایزال الهی است، در بحث قبل به طور مفصل آورده شد که هیچ قدرتی جز به خواست خدا و جز از جانب او وجود ندارد. ایرانیان نیز تکیه بر قدرت لایزال الهی را، مهم‌ترین نماد و اصل اعتقادی خود می‌دانند. آن‌ها به هنگام ورود اسلام، پیرو دین زرتشت بوده و معتقد به خدای یگانه بودند. ایرانیان از دوران قبل از اسلام تا به حال با تکیه بر دو پشتوانه مستحکم، یعنی ملیت و تدین که در رأس آن توحید است، توانسته‌اند عوامل اتحاد ساز را در نظام و جامعه بین تمامی اقشار به وجود آورد (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷: ۳۱۵).

انقلاب اسلامی ایران به عنوان انقلابی برای خدا و باهدف اجرای احکام الهی و

ارزش‌های توحیدی بنا گشت و حاکمیت مطلق خداوند را در تمام برنامه‌های خود به عنوان یک اصل قبول نمود و از آن به عنوان محرک در رسیدن به اهداف الهی استفاده نمود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مواردی آورده شده که حاکی از پذیرش حاکمیت مطلق خداوند بر جهان و انسان‌ها دارد و لزوم تسلیم در برابر امر خداوند را لازم شمرده است. از این رو همه سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر حاکمیت خدا بر هستی شکل گرفته است. اصل ۵۶ و اصل ۲ نیز بر این امر دلالت می‌نمایند.

ب. اخلاق

جمهوری اسلامی ایران با توجه به هویت اسلامی و شیعی خود ائمه معصومین (ع) را الگوی خود قرار داده و سیره اخلاقی آن‌ها را جزء لاینفک برنامه‌ریزی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود می‌داند. بر خلاف آنچه در رژیم قبلی و یا در کشورهای غربی وجود دارد، در جمهوری اسلامی ایران رعایت اصول اخلاقی یک ارزش محسوب می‌گردد و در سیاست‌های کلی به بحث تقویت فضائل اخلاقی و ایمان در کنار مؤلفه‌هایی مثل روحیه ایثار و امید به آینده آورده شده است که این امر حاکی از بها دادن به ارزش‌های والای اخلاقی در کنار دیگر امور مثل سیاست و اقتصاد و... دارد. رعایت اخلاق در اصل‌های ۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۰ و ۴۰ قانون اساسی آورده شده که بر اصولی مانند اصل برائت، منع شکنجه، آزادی عقیده، ترک هتک حرمت، عدم تجاوز به حقوق دیگران تأکید شده است.

ج. عدالت

جمهوری اسلامی ایران با گفتمان عدالت شکل گرفت و قانون اساسی آن که راهنمای منش سیاسی و فرهنگی و اقتصادی هر کشوری است، بر همان مبنا استوار گردید. عدالت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، از گفتمان‌های اصلی انقلاب محسوب می‌گردد که امام خمینی ره ارائه دادند. حضرت امام در مورد هدف غایی انقلاب اسلامی می‌فرمایند: «ما می‌خواهیم عدالت اسلامی در این مملکت برقرار کنیم... اسلامی که عدالت محور باشد، اسلامی که در آن هیچ ظلمی نباشد...» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۰: ۲۴).

عدالت‌طلبی همواره ریشه در فرهنگ و تمدن ایران داشته و اسلام شیعی آن را تقویت کرده است. عدالت یکی از ارزش‌های جامعه ایران، پیش از گرویدن ایرانیان به دین مبین اسلام بوده است به گونه‌ای که عدالت‌طلبی یکی از عناصر قوام‌بخش هویت ایرانی است و ایرانی‌ت در برگیرنده و متضمن عدل و عدالت می‌باشد (مجتهدزاده، ۱۳۸۳: ۲۴۴).

۳-۳. مطلوب‌های سیاست خارجی

سیاست خارجی جمهوری ایران، با مبنای آموزه‌های اسلامی بر اصولی همچون نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق مسلمانان، عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب، همچنین دفاع از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین، نفی سلطه بیگانگان بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ استوار است. با توجه به اصول مندرج در قانون اساسی (اصل ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۱) به دو نوع سیاست سلبی (نفی سبیل) و ایجابی (ایجاد وحدت) در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌توان اشاره کرد که این دو منش سیاسی اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که از اسلام گرفته شده، بستر و ظرفیت فکری برای مبارزه با سلطه‌جویی‌های استکبار را با توجه به روحیه خودباوری به وجود آورده است.

۴. کارکردهای مؤلفه‌های قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران

۴-۱. احیای معنویت‌گرایی، باورها و اعتقادات

جمهوری اسلامی ایران یک فضای گفتمانی مبتنی بر عنصر معنویت‌گرایی باورها و اعتقادات به وجود آمد و روح حقیقت‌طلبی، عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی را که موجب اعتلای مسلمانان و بشریت بود، احیا نمود. خدامحوری عامل تقویت معنویت در سیاست است و علت آن اعتقاد به اصل "خدا حاضری" و "خدا ناظری" است. هر اندازه که جدایی معنویت از سیاست از خودباختگی و استعمار شدن، بی‌عدالتی و بی‌اخلاقی، جنگ و دنیاپرستی را به بار می‌آورد، در مقابل دخالت دادن معنویت در سیاست و حکومت عزت و ایستادگی، مقابله با ظلم، استکبارستیزی، خداترسی و احساس وظیفه را به بار می‌آورد. جمهوری اسلامی ایران با دخالت دادن معنویت به سیاست داخلی و خارجی، آثار مثبت معنویت‌گرایی را در جهت تقویت قدرت خود استفاده و در مقابل خود را از آسیب‌های جدایی معنویت در امان نگه داشته است.

آمیختگی معنویت با سیاست به این معنا است که یک سیاست‌مدار مُتَخَلِّق به صفات کمال و عرفان باشد. اختلاط و آمیزش دین و سیاست به گونه‌ای که صبغی دینی آن نمود بیشتری داشته باشد. تداعی‌کننده این نکته است که میشل فوکو آن را تحت عنوان "معنویت‌گرایی" در انقلاب اسلامی ایران یاد می‌کند. این پدیده تنها در انقلاب ایران بروز

کرد (خرمشاد، ۱۳۸۸: ۲۱۶). معنویت‌گرایی سیاسی در ایران مبانی فرهنگی سکولاریستی حاکم و رایج در ایران را به مبارزه خواند و به نفی هر گونه سلطه پرداخت. در کنار اهتمام به معنویت‌گرایی، زنده کردن باورها و اعتقادات دینی که در جمهوری اسلامی ایران به وجود آمده است آن را از دیگر نظام‌ها و حکومت‌ها متمایز نموده است. با تشکیل حکومت اسلامی در ایران غبارها از فرهنگ اسلامی برداشته شد و اسلام باوری، خداباوری و خودباوری را مطرح گشت. باور به اینکه اسلام می‌تواند نجات‌بخش باشد در فضایی مطرح گشت که تمام حکومت‌ها، دنیای غرب و شرق را ناجی محسوب می‌کردند. جمهوری اسلامی ایران، با انقلابی که انجام داد، حاکمیت الله و اسلام را مطرح نمود و گفتمان جدیدی شکل داد. امام خمینی (ره) فرمودند: -“در سایه اسلام ما می‌توانیم مملکت خود را حفظ کنیم. امروز اسلام به عنوان یک مکتب مترقی که قادر است تمامی نیازهای بشر را تأمین کند و مشکلات او را حل نماید، مورد توجه تمام مسلمانان جهان مخصوصاً ایران قرار گرفته است“ (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۳۴).

۲-۴. ارتقای معرفت و بینش دینی

جمهوری اسلامی ایران با عمل به آموزه‌های دینی و داخل نمودن آن در زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی باعث ارتقای معرفت و بینش سیاسی مردم گشت که نتیجه آن در دو حوزه داخلی و خارجی قابل مشاهده است. نتیجه معرفت به آموزه‌های دینی در حوزه داخلی موجب همدلی، وحدت، بسیج عمومی و همچنین بیداری ملت مسلمان ایران گردید به نحوی که در سایه این بیداری و وحدت، در مقابل قدرت‌های بزرگ ایستادگی نمود به نحوی که فوکو از آن به عنوان یک شگفتی نام می‌برد (محمدی، ۱۳۸۹: ۲۸). و در حوزه خارجی موجب ظلم‌ستیزی، مقابله با بی‌عدالتی و بیداری اسلامی مردم مسلمان و آزاده جهان گردید. یکی از تأثیرگذارترین عوامل که موجب ارتقای بینش مردم ایران شد، معرفت به پیام آموزه‌های دینی مثل عاشورا، شهادت و ظلم‌ستیزی است، ملت ایران متأثر از این آموزه‌ها در مقابل دسیسه‌های دشمنان ایستادگی نمود.

۳-۴. کارکرد عدالت در جمهوری اسلامی ایران

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های عدالت، عدالت اجتماعی است. جمهوری اسلامی ایران در سایه تشکیل حکومت مبتنی بر اصول اسلامی توانسته به یک وضعیت مطلوب در حوزه عدالت اجتماعی نائل گردد. عدالت اجتماعی در اصطلاح قرآنی با تعبیر قسط، به معنای عدم تبعیض و ستم در جامعه و توزیع عادلانه امکانات مطرح گردیده است. تحقق عدالت اقتصادی مردم را ایثارگر و فداکار نموده تا جایی که رنج و سختی‌ها را تحمل می‌کنند، تا دیگران از خطر حفظ شوند. وقتی روح عدالت در مردم حاکم شد، آن قدر صفا، وفا، صمیمیت و یک رنگی در جامعه رشد می‌کند که مردم خیرخواه یکدیگر می‌شوند. دلیل این امر آن است که انسان ذاتاً موجودی پاک‌سرشت و بامحبت و مهروز است، در جامعه‌ای که هرکس به فکر تضييع حقوق دیگران باشد روحیه خشونت به تدریج در بنیان زندگی فردی و اجتماعی بروز می‌دهد. عدالت‌خواهی در طول تاریخ، آرمان همه ایرانیان بوده و بی‌تردید موتور محرک برای رسیدن به اهداف جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌گردد. انقلاب اسلامی ایران با رهبری مدبرانه و روشنگرانه امام خمینی (ره) بر پایه برقراری عدالت بر ملت خسته از بی‌عدالتی‌های رژیم ظالم پهلوی جان دوباره بخشید و لذا این انقلاب با شعار برقراری عدالت در کلیه ارکان اجتماع ایران رسوخ کرد و نهایتاً در بهمن ۱۳۵۷، همانند سیلی خروشان با سرنگونی شاه خواست تاریخی خود را مبنی بر برقراری عدالت در تمام ارکان جامعه به اثبات رسانید.

۴-۴. کارکرد اخلاق

اشاعه‌ی فضیلت‌های اخلاقی در جامعه مانند هوای لطیفی است که زمینه زندگی سالم را فراهم آورده و انسان را از حرص، جهالت، دنیاطلبی‌ها و سوء ظن به یکدیگر بازمی‌دارد. بر مبنای همین دلیل در اسلام تزکیه و رشد اخلاقی بر دیگر امور مقدم است. شکل‌گیری و استدامه حرکت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اصول اخلاقی بوده و به طور حتم با روش غیراخلاقی نمی‌توان پاسدار حقیقت بود، اگر امروزه جمهوری اسلامی ایران ماندگار شده و برای دیگران الگو شده به این خاطر است که سعی نموده است، حرف اسلام را به زبان آورد و تابع محض اصول اسلامی باشد. جمهوری اسلامی ایران خوب می‌داند که قدرت و اقتدارش در اجرای اصول اخلاق اسلامی است. اگر از این اصول دست بکشد، ماهیت خود را زیر سؤال برده و شکننده خواهد شد. اگر ملت ایران از اول انقلاب در مقابل توطئه‌ها تحریم‌ها و از آن بالاتر در جنگ تحمیلی

در مقابل فشارها و هجمه‌ها صبر نموده‌اند و حتی جان و مال خود را داوطلبانه برای این نظام داده‌اند، تنها به این خاطر است که آن‌ها احساس امنیت و عزت را در ذیل حکومت اسلامی بدست آورده‌اند. لذا در مقابل صداقت، عدالت خواهی، استکبارستیزی و آرمان‌های اسلامی این نظام حاضرند، هر نوع فداکاری و از خود گذشتگی را انجام دهند. بی‌اعتنایی و زیر پا گذاشتن ارزش‌های اخلاقی باعث ایجاد فساد اخلاقی در جامعه اسلامی می‌شود و این امر به هیچ عنوان با تقدس نظام جمهوری اسلامی و التزام به آن سازگاری ندارد. یکی از ویژگی‌های حکومت ولایی که در رأس آن ولایت فقیه وجود دارد. این است که مردم احساس امنیت کنند و جامعه نیز از بد اخلاقی‌ها و بی‌عدالتی‌ها پاک گردد. به حمدالله در رأس حکومت نظام اسلامی ایران، چه در زمان امام(ره) و چه اکنون، ولی فقیه جامع‌الشرایطی وجود داشته و دارد که تا به امروز توانسته است در حد بالایی انحرافات، کج روی‌ها و بی‌اخلاقی‌ها جلوگیری نماید. بی‌اخلاقی و بی‌عدالتی در هر نظامی و با درجات مختلف اتفاق می‌افتد، اما آنچه نظام ولایی را از دیگر نظام‌ها جدا می‌نماید. همین بحث مراقبت‌هایی است که از طرف ولی فقیه رخ می‌دهد. مسئولین اجرایی، قضایی و یا احزاب و گروه‌ها در طول سه دهه انقلاب بعضاً دچار لغزش‌ها و یا کاستی‌هایی در عرصه اجرا و نظارت بوده‌اند که رهبری به آن‌ها متذکر می‌شدند. وقتی رهبر معظم انقلاب خطاب به مسئولان اجرایی کشور بحث مبارزه با فقر و فساد و تبعیض را بیان می‌دارند و یا در بین استادان و صاحب‌نظران اقتصادی کشور مطرح می‌کنند، وضع فعلی عدالت مطلقاً راضی‌کننده نیست (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: اردیبهشت ۱۳۹۰).

۴-۵. کارکردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

با روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی ایران، دین جایگاه اصلی خود را در معادلات بین‌المللی پیدا کرد و بر این مبنا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصل «نه شرقی نه غربی» استوار گردید که علاوه بر شکستن ابهت استکبار جهانی و قطع دخالت بیگانگان در امور داخلی کشورهای مستضعف، پیام و راه‌ثالثی را به جهانیان عرضه کند که بر استقرار و اجرای عدالت و آموزه‌های الهی، تکیه بر آزادی توأم با مسئولیت انسان در برابر خداوند، ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی، مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی، تأمین حقوق همه‌جانبه مستضعفان، نفی سلطه خارجی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حمایت از مسلمانان و مظلومان جهان، قوت بخشیدن به قدرت اسلام و مسلمانان، گسترش فرهنگ اسلامی و اعتقادات معنوی

در سراسر جهان و تحکیم وحدت امت اسلامی در جهت استقرار عدالت و نفی سلطه قدرت‌های استکباری تأکید می‌کرد.

با توجه به آنچه بیان گردید، کارکردهای این مؤلفه را می‌توان در ارتقای بیداری اسلامی، روی کار آمدن نیروی سومی در معادلات نظام بین‌الملل، علنی گشتن مبارزه با استکبار و صهیونیسم، زنده کردن اسلام سیاسی، به چالش کشیدن هژمونی فرهنگی غرب و مطرح گشتن گفتمان وحدت بین کشورهای اسلامی جستجو نمود.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در این مقاله آورده شد مبانی قدرت نرم از منظر اسلام به دلیل اختلاف در نوع نگاه به انسان، الله و نیز وجود تفاوت‌های نظری در دو تفکر اسلامی و غربی، دارای ماهیت متفاوتی است. از این رو می‌توان شاخصه‌هایی مانند شهادت‌طلبی، خدامحوری، رعایت اخلاق و .. را از مؤلفه‌های قدرت نرم از منظر اسلام بیان نمود. با توجه به اینکه اصول و ارزش‌هایی اسلامی به عنوان یک اصل در جمهوری اسلامی ایران مورد پذیرش قرار گرفته است لذا هر یک از مؤلفه‌هایی که از منظر اسلام مطرح است می‌توان آن را در جمهوری اسلامی ایران مشاهده نمود. جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر کارکرد هر یک از این مؤلفه‌های قدرت نرم توانست ضمن ایجاد تحول در سطح داخلی، به احیای خودباوری دینی و بیداری اسلامی در عرصه منطقه‌ای و تأثیرگذاری بر مناسبات جهانی دست یابد و اقتدار نرم‌افزاری خود را در عرصه بین‌المللی به منصفه ظهور رساند.

منابع

- قرآن کریم.

- نهج البلاغه.

- افتخاری، اصغر، شعبانی، ناصر (۱۳۸۹). **قدرت نرم نبرد نامتقارن تحلیل جنگ ۳۳ روزه حزب الله و جنگ ۲۲ روزه غزه**. تهران: انتشارات امام صادق (ع).

- افتخاری، اصغر، و همکاران (۱۳۸۷). **قدرت نرم و سرمایه اجتماعی**. تهران: انتشارات امام صادق (ع).

- ایزدی، حجت الله (۱۳۸۷)، «مبانی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات بسیج**. سال ۱۱، شماره ۴۰.

- بیانات حضرت آیه الله خامنه‌ای ۹۰/۲/۲۷ (در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی).

- بیگی، مهدی (۱۳۸۹). **قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران**. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- پور احمدی، حسین (۱۳۸۹). **قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران**. قم: بوستان کتاب.

- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴)، «جنبش دانشجویی و سیاست فرهنگی»، **ماهنامه آئین**. شماره ۱۰.

- خراسانی، رضا (۱۳۸۷)، «جایگاه و نقش قدرت فرهنگی در سیاست خارجی و تأثیر آن بر روند تحولات جهانی»، **فصلنامه علوم سیاسی**. شماره ۴۱.

- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۸)، «فوکو و انقلاب اسلامی ایران؛ معنویت‌گرایی در سیاست»، **پژوهشنامه متین**. شماره ۱.

- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۰)، *صحیفه نور*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چ ۲، جلدهای ۹ و ۲۵.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۲)، *کلمات قصار*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۲.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۱)، *بنیادهای علم سیاست*. تهران: نشر نی، چ ۹.
- کلینی، محمد یعقوب (۱۳۷۵)، *اصول کافی*. تهران: انتشارات اسوه، ج ۱.
- گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۸۷)، *جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم*. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، چ ۱.
- لکزایی، نجف (۱۳۸۹)، «کاربردهای امنیتی انسان‌شناسی حکمت متعالیه»، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات راهبردی*. شماره ۴۹.
- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۳)، *روحیه عدالت خواهی و جایگاه آن در هویت ملی ایرانیان*. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات ملی.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶)، *میزان الحکمه*. مترجم: محمدرضا شیخی، قم: مؤسسه الاعلمی.
- محمدی، یدالله (۱۳۸۹/۸/۱۵)، «انقلاب اسلامی و نقش تاریخ‌ساز امام خمینی در تولید قدرت نرم»، *پایگاه مجازی تحلیل و بررسی جنگ نرم*.
- مشیر زاده، حمیرا (۱۳۸۸)، *تحول در نظریات روابط بین‌الملل*. تهران: سمت، چ ۴.
- مصلی نژاد، عباس (۱۳۸۹)، *فرهنگ سیاسی ایران*. تهران: فرهنگ صبا، چ ۴.
- میلسن، ژان و همکاران (۱۳۸۸)، *دیپلماسی عمومی نوین؛ قدرت نرم در روابط بین‌الملل*. رضا کلهر و سید محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چ ۲.
- نای، جوزف (۱۳۸۹)، *قدرت نرم ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل*. مترجم: سید محسن روحانی، مهدی ذوالفقاری، تهران: امام صادق (ع).
- وائقی راد، محمدحسین (۱۳۸۳)، *نگرشی نو به تاریخ اسلام*. قم: آفاق غدیر، ج ۱.